

اهمیت و کارایی فرهنگ و ادب فارسی

مژگان سرلک^۱

چکیده:

فرهنگ و ادبیات فارسی از مهم ترین مولفه های هویت فرهنگی هر کشوری است که از آن به عنوان میراث یک ملت یاد می شود و استمرار و بقا هر جامعه ای بستگی به ماندگاری و دوام آن دارد، به همین منظور در طول تاریخ استعمارگران برای غلبه بر سرزمین های گوناگون کوشیده اند تا با تسلط بر زبان یک قوم بر آنها حکمرانی کنند، بر این پایه حکومت ها تمامی برنامه های خویش را در مسیر پاسداری از زبان مادری به کار می بندند تا از تهاجم زبان بیگانه جلوگیری کنند. اهمیت این موضوع در ایران برای نخستین بار در زمان برقراری مناسبات تجاری با دیگر کشورها احساس شد زیرا در آن هنگامه به دلیل تعامل با آنها، واژگان و ادبیات سرزمین های گوناگون به زبان فارسی راه یافت. ادبیات و زبان فارسی به عنوان یکی از زبان های زنده و مطرح در دنیا بوده و به عنوان زبان رسمی و اصلی میهن اسلامی ایران می باشد. با توجه به قدمت و گستردگی ادبیات فارسی و با توجه به اینکه از جهاتی متأثر از اسلام و مسلمین بوده است، می توان آن را از زوایای مختلف، به عنوان یکی از علوم اسلامی مورد بررسی و دقت نظر قرار داد.

کلمات کلیدی: فرهنگ، زبان فارسی، ادبیات فارسی، کشور، تمدن

^۱ کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کرج
آموزگار پایه سوم دبستان دخترانه حضرت خدیجه (س)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

مقدمه:

ادبیات در هر فرهنگ، جامعه و ملتی دارای تعاریف مختلفی بوده و در طی زمان ممکن است تعاریف پیشین آن تغییر کند و یا به چالش کشیده شود. ادب واژه‌ای است معرب از فارسی. این واژه از دیدگاه واژه‌شناسان به معنی ظرف و حسن تناول آمده است. برخی نیز در فارسی، ادب را به معنی فرهنگ ترجمه کرده‌اند و گفته‌اند که ادب یا فرهنگ همان دانش است. از دیگر معانی واژه ادب می‌توان به هنر، حسن معاشرت، شیوه، پسندیده، با سخن اشاره کرد؛ اما ادب در اصطلاح، نام دانشی است که قدما آن را شامل این علوم دانسته‌اند: واژه، صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع، عروض، قافیه، قوانین خط، قوانین قرائت که بعضی اشتقاق و انشاء راهم بدان‌ها افزوده‌اند.

البته دیدگاه ادبای قدیم درباره‌ی معنی اصطلاحی «ادب» کمی مختلف است. بعضی آن را فضیلت اخلاقی،^۱ برخی پرهیز از انواع خطاها و برخی آن را مانند فرشته‌ای دانسته‌اند که صاحبش را از ناشایستی‌ها بازمی‌دارد.

تاریخچه

یکی از کهن‌ترین آثار ادبی شناخته شده در جهان، حماسه ی گیلگمش است. بسیاری از پژوهش‌گران، گیلگمش را نخستین حماسه بشری می‌دانند. این اثر ادبی که تاریخ نگارش آن را سال ۲۷۰۰ پیش از میلاد می‌دانند موضوعاتی چون قهرمانی، دوستی، شکست و جستجو به دنبال زندگی ابدی را شامل می‌شود. در هر دوره تاریخی یکی از گونه‌های ادبیات برجسته می‌شود. نخستین آثار ادبی بیشتر دارای جنبه‌های پیدا و پنهان مذهبی اند و ریشه تعلیمی نیز همین منابع هستند. سرشت نامتعارف آثار رمانتیک پس از قرون وسطی رشد پیدا کرد؛ در حالی که عصر روشنگری باعث بروز حماسه‌های ملی و آثار فلسفی شد. رمانتیسم بر

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

ادبیات عامیانه و مسائل عاطفی تأکید می‌کرد و به این گونه بود که در سده ۱۹ میلادی راه را برای ظهور رئالیسم و ناتورالیسم که در پی کشف مصادیق واقعیت بودند باز کرد. سده ۲۰ میلادی نیاز به سمبولیسم یا بینش روانی در توصیف و توسعه شخصیت را با خود آورد.

انواع ادبی

از دیدگاه مفهوم و پیام درونی ادبیات را به چهار دسته کلی تقسیم می‌کنند:

- حماسی
- غنائی
- نمایشی
- تعلیم و تربیت

دیگر انواع ادبی عبارت‌اند از: ادبیات روایی و داستانی، ادبیات اسطوره‌ای، ادبیات نمادین، ادبیات طنز، ادبیات فولکلور و عامیانه، ادبیات مفاخره، ادبیات مناظره و ...

داستان

داستان روایی (نثر روایی) غالباً از نثر برای بیان رمان، داستان کوتاه، رمان تصویری و امثال آن استفاده می‌کند. نمونه‌های منفرد این نوع داستان در طول تاریخ وجود داشته‌اند اما تنها در سده‌های اخیر به شکل منظم و مجزا نوشته شدند. برای دسته‌بندی داستان‌های منثور غالباً از اندازه‌های آن‌ها استفاده می‌کنند. هر چند که این محدوده‌ها دلخواه است اما قراردادهای نشر مدرن محدوده‌های زیر را تعیین کرده‌اند:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

- داستان کوتاه نوعی داستان منثور است که بین ۱۰۰۰ تا ۲۰,۰۰۰ واژه دربردارد (اما معمولاً بالای ۵۰۰۰ واژه دارد). این نوع داستان ممکن است دارای ساخت روایی نباشد.

• داستانک

- رمان کوتاه (نوولا) داستانی است که بین ۲۰,۰۰۰ تا ۵۰,۰۰۰ واژه را دربرداشته باشد.
- رمان نوعی داستان است که بیش از ۵۰,۰۰۰ واژه دارد.

رمان

رمان، داستان بلندی است که به صورت نثر نوشته می‌شود. شکل آن نیز از ابداعات سده‌های اخیر است. داستان منثور ایسلندی به نام ساگاس که گفته می‌شود در سدهی ۱۱ میلادی نوشته شده، در مرز بین یک اثر سنتی منظوم حماسی - ملی و یک رمان روان‌شناسی مدرن قرار دارد. به جرئت می‌توان گفت که سروانتس اسپانیایی اولین کسی بود که در اروپا دست به نگارش یک رمان تأثیرگذار به نام دون کیشوت زد. اولین بخش این داستان در سال ۱۶۰۵ و دومین بخش آن در سال ۱۶۱۵ منتشر شد. مجموعه‌های داستانی قدیمی‌تر دیگری مانند هزار و یک شب، دکامرون اثر جیووانی بوکاچیو و داستان‌های کانتربری اثر چاسر شکل مشابهی دارند و اگر امروز نوشته می‌شدند، می‌شد آن‌ها را در دسته‌ی رمان قرار داد. دیگر داستان‌هایی که در دوران کلاسیک ادبیات آسیا و عرب نوشته شده‌اند را بیش از آن که ما فکر کنیم می‌توان در دسته‌ی رمان قرار داد. برای مثال آثاری چون داستان گنجی (ژاپنی) اثر بانو موراساکی، داستان عربی حی بن یقظان اثر ابن طفیل، داستان عربی تنولوگوس آتودیداکتوس اثر ابن نفیس و داستان چینی افسانه سه پادشاه اثر لو گوانزونگ.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

همه‌ی رمان‌ها در اروپا در ابتدا جزو آثار مهم ادبی تلقی نشدند. دلیل آن شاید این بود که نگارش نثر صرف، آسان و غیر مهم می‌نمود. با این حال، امروزه مشخص شده‌است که نگارش نثر بدون توجه به آرایه‌های شاعرانه می‌تواند لذت هنری در فرد ایجاد کند. به علاوه نویسندگان آزاد به این باور رسیده بودند که درگیر نشدن با ساختارهای نظم باعث ایجاد طرح داستانی پیچیده‌تر یا دقیق‌تری نسبت به گونه‌های دیگر ادبی حتی شعر روایی می‌شود. این آزادی به نویسندگان این امکان را می‌دهد که به سبک‌های ادبی و نمایشی دیگر – حتی شعر – در محدوده‌ی یک رمان بپردازد.

نمایش‌نامه

نمایش‌نامه، معرف نوع دیگری از قالب‌های ادبی کلاسیک است که در طول سال‌های متمادی متحول شده. این نوع اثر ادبی غالباً شامل گفتگو بین شخصیت‌ها است و به جای خوانده‌شدن بیشتر تکیه بر اجرای نمایشی دارد. اپرا در طول سده‌های هجده و نوزده میلادی به عنوان ترکیبی از شعر، نمایش و موسیقی رشد یافت. در آن زمان تقریباً تمام نمایشنامه‌ها منظوم بودند. شکسپیر را می‌توان یکی از برجسته‌ترین نمایشنامه‌نویسان جهان دانست. برای نمونه رومئو و ژولیت نمایشنامه‌ای کلاسیک است که عموماً یک اثر ادبی شناخته می‌شود.

نمایش‌نامه‌های یونانی نمونه‌های اولین گونه‌های نمایشی در طول تاریخ هستند که ما به آن‌ها دسترسی داریم. تراژدی به عنوان یک گونه نمایشی از جشنواره‌های مذهبی و مدنی سرچشمه گرفت و معمولاً برای نمایش تم‌های تاریخی یا افسانه‌ای به کار برده می‌شد. تراژدی‌ها معمولاً برای موضوعات بسیار مهم مورد استفاده قرار می‌گرفتند. با ظهور فناوری‌های نوین، نوشتن متن نمایش‌نامه‌های غیر اجرایی باب شد. جنگ دنیاها (رادیو) در سال ۱۹۳۸ نمایش‌نامه‌ای رادیویی بود که برای پخش سراسری نوشته شده بود. پس از آن

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بسیاری از آثار نمایشی برای فیلم یا تلویزیون ساخته شدند. به طور معکوس، ادبیات تلویزیونی، فیلم و رادیو نیز برای نوشتن آثار چاپی یا الکترونیک به کار برده شدند.

ادبیات شفاهی

اصطلاح ادبیات شفاهی به سنت‌های شفاهی به جا مانده از گذشته اشاره دارد که مشتمل بر گونه‌های متفاوتی چون حماسه، شعر و نمایشنامه، داستان‌های قومی، تصنیف، افسانه، لطیفه و دیگر گونه‌های قومی و محلی (فولکلور) می‌شود. این نوع ادبیات در هر جامعه‌ای وجود دارد و نمی‌توان آن را محدود به جوامع باسواد یا متمدن دانست. ادبیات شفاهی معمولاً توسط فولکلورشناسان یا دانشمندانی که به مطالعات فرهنگی و ادبیات قومی می‌پردازند همچون زبان‌شناسان، انسان‌شناسان و حتی جامعه‌شناسان مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرد.

دیگر گونه‌های روایی

- فیلم، ویدئو یا نمایش‌های تلویزیونی آن قدر پیشرفت کرده و زیاد شده‌اند که غالباً هم‌شأن ادبیات مثنوی می‌شوند.
- رمان‌های گرافیکی و کتاب‌های کمیک، داستان‌هایی را نقل می‌کنند که به صورت ترکیبی از هنر نقاشی، دیالوگ و متن به صورت مرتب نمایش می‌یابند.

نظریه ادبی

ادبیات را می‌توان از جنبه‌های گوناگون دیگر هم بررسی و طبقه‌بندی کرد. به عنوان نمونه، بخشی از ادبیات که به عنوان نظریه ادبی مطرح می‌شود، اغلب ناشی از تعریفی است که از ارتباط ادبیات و علم، حکایت

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

می‌کند. در واقع می‌توان گفت، واژه-مفهوم نظریه، مبتنی بر نگرش و راهکار علمی است و اگر در تعریف ادبیات، علمی بودنش مورد تردید باشد، ابداع و طرح موضوعی به نام نظریه ادبی، اساساً بلا موضوع خواهد شد؛ زیرا عده‌ای باور دارند که ادبیات با عواطف و احساسات و خروجی تراوش‌های عاطفی از ذهن و جاری شدن آن بر زبان (گفتار و نوشتار) تأکید بسیار دارند.

گونه‌های ادبی

گونه ادبی به تقسیمات سنتی انواع آثار گوناگون ادبی بر اساس نوع خاصی از نگارش گفته می‌شود. در زیر فهرستی از گونه‌های ادبی نمایش داده شده است:

فهرست گونه‌های ادبی

- خودزندگینامه، خاطره، خودزندگینامه معنوی
- زندگینامه
- خاطرات روزانه و وقایع روزانه
- ادبیات الکترونیکی
- راویان برده
- افکار، گفتارهای حکیمانه
- داستان

○ ادبیات کودک و نوجوان

○ ادبیات کمیک

○ رمان جنایی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

- رمان کارآگاهی
- رمان ماجراجویی
 - افسانه، فولکلور
 - خیال پردازی
 - ادبیات گوتیک (معمولاً هم معنی ادبیات ترس است)
 - داستان تاریخی
 - ترس
 - رمان طبی
 - داستان طنز یا فکاهی
 - داستان رازآمیز
 - رمان فلسفی
 - رمان سیاسی
 - رمان عاشقانه
- داستان عاشقانهٔ تاریخی
 - ساگا، ساگای خانوادگی
 - هزلیات، هجویات
 - داستان علمی و تخیلی
 - داستان هیجان انگیز
- داستان هیجان انگیز دسیسه‌ای
- داستان هیجان انگیز روانشناسی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

▪ داستان هیجان انگیز سیاسی/رمان جاسوسی

○ تراژدی

آرایه‌های ادبی

آرایه‌ی ادبی در یک اثر باعث ایجاد تأثیر خاصی بر خواننده می‌شود. تفاوت میان آرایه‌های ادبی و گونه‌های ادبی مانند تفاوت تاکتیک‌های نظامی و استراتژی نظامی است؛ بنابراین با این که داستان دیوید کاپرفیلد در برخی جاها از هزل استفاده می‌کند اما به گونه کمیک تعلق دارد و نه گونه هزل. در عین حال، خانه متروک آن قدر از هزل استفاده می‌کند که باعث می‌شود این اثر را در زمره هزلیات قرار دهیم. این گونه‌است که استفاده مکرر از یک آرایه ادبی باعث می‌شود تا یک گونه جدید به وجود آید، همان طور که در مورد یکی از نخستین رمان‌های مدرن به نام پاملا (رمان) اثر ساموئل ریچاردسون اتفاق افتاد. در این اثر آن قدر از صنعت نامه‌نگاری استفاده شد که باعث شد رمان‌های نامه‌نگاری که چند صباحی بود که باب شده بودند، قدرت گرفته و خود به یک گونه ادبی جداگانه تبدیل شوند.

نقد ادبی

نقد ادبی، بررسی و نقد یک اثر ادبی است که در برخی موارد باعث پیشبرد کیفیت اثر ادبی در حال تکمیل می‌شود. شیوه‌های نقد ادبی گوناگونی وجود دارند که هر کدام می‌توانند برای نقد یک اثر به صورت دیگر یا نقد جنبه‌های متفاوت یک اثر به کار روند. هم چنین نقد ادبی قوانین، موازین و دلایل مقبولیت و رد آثار ادبی را مورد مطالعه قرار می‌دهد، حقیقت هنری را در یک اثر ادبی می‌شناسد و می‌شناساند، ارزش‌های نهفته و نامکشوف آن را کشف و آشکار می‌سازد، و سره را از ناسره، و قوی را از ضعیف در آثار ادبی جدا می‌سازد و

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

تفکیک می‌کند. نقد ادبی بر اساس این که از کدام زاویه دید به اثر ادبی نگاه و بر مبنای چه موازینی آن را تحلیل و ارزیابی می‌کند به انواع گوناگونی بخش‌بندی می‌شود.

نمونه‌ای از انواع نقد ادبی در زیر فهرست شده‌اند :

- نقد معناسناسانه
- نقد زبان‌شناسانه
- نقد نمادشناسانه
- نقد صورت‌گرایانه
- نقد ساختارگرایانه
- نقد پساساختارگرایانه و پست‌مدرن همانند: واسازی متن
- نقد با کمک نظریه واکنش خواننده
- نقد فمینیستی
- نقد زیست محیطی
- نقد روان‌کاوانه
- نقد از منظر دینی
- نقد اسطوره‌شناسانه
- نقد از منظر تاریخی همانند: تاریخ‌گرایی نوین
- نقد از منظر سیاسی یا اقتصادی همانند نقد مارکسیستی
- نقد علمی
- نقد روایی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

- نقد استعماری
- نقد پسااستعماری
- نقد بر اساس نظریه کوئیر
- نقد ترکیبی
- ...

تاثیر اسلام بر ادبیات ایران

اسلام بر ادبیات ایران و ادبیات فارسی در سده‌های مختلف تاثیرگذار بوده است:

در سده‌های اول

در نمونه‌هایی از زبان و ادب گفتاری این دوره که گاه‌گاه در لابلای نوشته‌های دوره اول تاریخ و ادب پارسی، و نیز در پاره‌ای از نوشته‌های تاریخی و ادبی به زبان عربی به چشم می‌خورد، می‌توان حدس زد: که تاثیر فرهنگ اسلامی به ویژه قرآن و حدیث، در زبان و ادب فارسی در این دوره چندان نبوده است. به طور کلی نفوذ لغات عربی تا چند قرن اول هجری، به کندی صورت می‌گرفت و بیشتر به برخی از اصطلاحات دینی و اداری مانند حاکم، عامل، قاضی، خراج، و... اختصاص داشت، و نیز برخی از لغات ساده که گشایشی در زبان ایجاد می‌کرد و یا بر مترادفات می‌افزود، مانند غم، راحت، بل، و حتی ایرانیان پاره‌ای از اصطلاحات دینی و اداری را ترجمه کردند. مثلاً به جای صلوة معادل پارسی آن «نماز» و به جای «صوم»، «روزه» را به کار بردند.

در قرن چهارم

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

این نفوذ بعد از قرن چهارم و خصوصاً از قرن ششم و هفتم به بعد در لهجات ایرانی، سرعت و شدت بیشتری یافت.

در نخستین دوره ادب فارسی به دلیل نفوذ نه چندان زیاد زبان عربی در زبان و ادب فارسی، در نوشته‌ها و آثار شاعران این دوره، واژه‌ها و ترکیب‌های تازی چندانى به چشم نمی‌خورد. هم‌چنین، آیات و احادیث نیز در آثار ادبی این دوره اندک است. آنچه در این راستا دیده می‌شود، بیشتر در قالب تلمیح، ترجمه و اشاره به آیات قرآن و گاه نیز به صورت اقتباس از آن‌هاست. با بررسی متن‌هایی شبیه تفسیر طبری و تاریخ محمد بن جریر طبری، به روشنی می‌توان دریافت که واژه‌ها و ترکیب‌های عربی (آیات قرآن، حدیث، مثل و شعر عربی)، در نخستین نوشته‌های فارسی دری بسیار کم و ناچیز است. در اواخر قرن چهارم و اوائل قرن پنجم، حرکت‌های سلطان محمود غزنوی و دیگر درباریان او، سبب شد تا واژه‌هایی از زبان عربی جایگزین برخی از واژه‌های پارسی گردد.

مقایسه نمونه‌ای از نثر و نظم پارسی قرن چهارم، با نمونه‌ای از قرن پنجم، به خوبی می‌تواند تفاوت‌های بسیاری را میان نوشته‌های دو دوره سامانی و غزنوی به ما نشان دهد.

در قرن پنجم

زبان پارسی از قرن پنجم به بعد به نسبت بیشتری با لغات عربی در آمیخت، و تدریجاً بیشتر شد. از علل عمده آن، یکی، تزاید نفوذ دین اسلام، و دیگری تعلیم و تعلم عربی بود که با شدت بیشتری در ایران رواج داشت، به طوری که تعداد مدارس در قرن ۵ و ۶، گسترش پیدا کرد، که از مواد اصلی دروس، زبان و ادب عربی بود.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

در قرن ششم

از موضوعاتی که مخصوصاً در قرن ششم، در شعر فارسی به شدت رخنه کرد، تصوف و عرفان است. البته توجه به افکار عرفانی در شعر، پیش از قرن ششم، صورت گرفته است، لیکن اثر بین و آشکار آن را از آغاز این قرن می‌بینیم. نخستین کسی که به ایجاد منظومه‌های بزرگ عرفانی توجه کرد، سنایی است. منظومه حدیقه الحقیقه و طریق التحقیق، از اوست. محمد عطار نیشابوری نیز کتاب‌های «منطق الطیر»، «اسرار نامه»، «مصیبت نامه» و «الهی نامه» را در اواخر این قرن و اوایل قرن هفتم نوشت.

در قرن هفتم هشتم

در دو قرن هفتم و هشتم، توجه به عرفان قوت بیشتری یافت و منظومه‌های متعددی به وجود آمد، که مثنوی معنوی، شاهکار جاودان شعر فارسی از آن جمله است.

بزرگان تصوف، جهان‌بینی عرفانی را در ادبیات فارسی تبیین و ترسیم کردند. موضوع شعر و به خصوص قصیده را از لجن‌زار دروغ و تملق، بر اوج تحقیق کشاندند، و غزل را از عشق شهوانی به محبت روحانی رساندند، خلاصه آن که معنویت را چاشنی ادبیات کردند.

صوفیه نخستین کسانی بودند که نثر ساده و مرسل عصر سامانی را رها کردند و نثر مسجع و آهنگین را بنیان نهادند. پس از ماجرای تلخ حلاج، صوفیه زبانی رمزی و نمادین از نظم و نثر ایجاد کردند، و با ظهور ابن عربی، اصطلاحات عرفانی در اشعار و آثار منثور نویسندگان پارسی‌گوی نفوذ یافت

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

فلسفه فرهنگ و ادبیات فارسی در بر گیرنده مباحث متعدد و متنوع است ولی موضوع پرداختن به واژه فرهنگ و ادبیات یکی از مباحث اولیه آن به حساب می آید. در این مقطع پرسش پیرامون چیستی فرهنگ در مقام تعریف آن نیست بلکه پرسش این است واژه فرهنگ از کجا آمده و اساساً از چه مقطع تاریخی وارد دستگاه زبانی جوامع انسانی خصوصاً محافل علمی شده است و دوم اینکه از زمان جعل واژه در دستگاه های زبانی جوامع مختلف، تا کنون این واژه در بر گیرنده چه تغییرات و تحولات مفهومی شده است.

در نگاه برخی صاحب نظران، هر چند وجود فرهنگ ها دارای سابقه ی به اندازه تاریخ بشریت است ولی اینگونه به نظر می رسد که علم انسان به وجود فرهنگ و نیز جعل واژه "فرهنگ" در چند سده گذشته صورت پذیرفته است. به عبارتی، هر چند عقاید، باورها، سنن، مناسک، نمادها، آئین ها و ... از دیر باز در جوامع انسانی وجود داشته است ولی اطلاق واژه فرهنگ به همه آنها یا بخشی از آنها اولاً در چند سده گذشته صورت پذیرفته و ثانیاً از جامعه ی به جامعه دیگر متفاوت بوده است و ثالثاً در گذر زمان دستخوش تغییر و تحولات چشمگیر مفهومی شده است.

از این رو، مبحث واژه شناسی فرهنگ و زبان و ادبیات شناسی از مباحث اولیه و مهم فلسفه فرهنگ تلقی می گردد و با موضوع تعریف فرهنگ و ادبیات ارتباط تنگاتنگ دارد. در ادامه با بررسی پیشینه پژوهشی این مقاله بحث به موضوع واژه شناسی فرهنگ و ادبیات فارسی خواهیم پرداخت، با این حال با توجه به حجم سنگین و متنوع مباحث تلاش بر این است که مبحث فوق در قالب پاسخ به پرسش های معین مطرح گردد و نوآوری تحقیق در هر مبحث به روشنی در چارچوب پاسخ های مطروحه در سراسر بحث ارایه گردد. در همین راستا در باب واژه شناسی فرهنگ پرسش های مهم ذیل قابل طرح است:

۱- واژه فرهنگ و ادبیات فارسی اولین بار توسط کدام طیف از صاحب نظران مطرح گردید؟

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

۲- سیر مفهومی و تحولات معنا شناختی واژه فرهنگ و ادبیات فارسی در گذر زمان چگونه بوده است؟

۳- فلاسفه و صاحبان نظران دوره های پیشین، برای اشاره به مفاهیم و عناصر فرهنگ و ادبیات فارسی چه مباحثی را مطرح کرده اند؟

بررسی پیشینه بحث نشان می دهد که تقریباً همه آثاری که تا کنون در باب فرهنگ و ادبیات فارسی تولید و یا منتشر شده اند به غلط جعل واژه فرهنگ را منتسب به صاحبان نظران غربی دانسته اند. از این رو فلسفه حاکم بر پرسش نخست روشن است: آیا واقعاً واژه فرهنگ ریشه در متون لاتین و غرب دارد یا آبشخور آن قلمروی معرفتی متفاوتی در مشرق زمین است؟ این در حالی است که بررسی اولیه آثار اسلامی من جمله ادبیات کلاسیک ایران مبین این واقعیت است که قرن ها قبل از طرح این واژه در غرب، اندیشمندان اسلامی ضمن جعل واژه فرهنگ آن را در مفهومی گاهاهمخوان و نیز در پاره ی موارد متفاوت از مباحث مطروحه از جانب صاحبان نظران و فرهنگ شناسان معاصر به تفصیل به کار بسته اند.

بررسی و مطالعه دقیق متون نثر و نظم ادبیات ایران من جمله بیش از ۳۴۰۰۰ بیت شعر از ۳۵ شاعر نامدار فعال در عرصه فرهنگ ایران [۲] نشان می دهد که واژه فرهنگ و مختصات مفهومی آن در ادبیات فارسی دارای پیشینه ای ۱۴۰۰ ساله است. به عبارتی در برهه ای از تاریخ معرفت که واژه فرهنگ و ادبیات فارسی در غرب به مفهوم کشاورزی استعمال می شد، صاحبان نظران پارسی نه تنها فرهنگ را در مفهومی و رای درک غربیان به کار می بستند بلکه شاخص ها و عناصر سازنده آن را نیز یادآور می شدند.

بررسی این موضوع همچون دیگر مباحث این اثر خود نیازمند تحقیقی جداگانه است و اساساً نیازمند مطالعه ای تطبیقی با غایت بررسی سیر مفهومی واژه فرهنگ در دو حوزه تمدنی متفاوت است و بیان تفصیلی آن از

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

حاصله این بحث خارج است. با این حال در ادامه به اختصار با بررسی برخی از مصادیق ادبیات کلاسیک ایران پیرامون واژه فرهنگ سعی در کنکاش دو موضوع داریم:

نخست آنکه اسنادی ارایه دهیم که مبین مفهوم فرهنگ در ادبیات فارسی است و

دوم آنکه با بیان این اسناد تاریخی بطلان این فرضیه که فرهنگ و تعریف آن از متون غربی وارد قلمروی معرفتی ما شده است را آشکار کنیم.

در واقع بسیاری از فرهیختگان معاصر نیز به کرات از واژه فرهنگ در آثار خود استفاده کرده اند ولی تمرکز ما بر شعرا، ادیبان و صاحب نظران موخر از آنجا ناشی می شود که اثبات نمائیم سیر مفهومی فرهنگ در رویکردی تاریخی، قرن ها قبل از تحول این واژه در ادبیات و حوزه معرفتی غرب، در مشرق زمین و حوزه تمدنی اسلام مطرح بوده است و در یک مفهوم، قرن ها قبل از این که اروپائیان کالچر را به معنی کشاورزی، باغ داری، درختکاری و موارد مشابه به کار می بردند، در جهان اسلام واژه فرهنگ دارای معانی و مفاهیمی همچون "تدبیر، عقاید، باورهای الهی، ارزش ها، شیوه زیست و تفکر، ظرفیت های مادی و معنوی، شجاعت و شوکت" و موارد دیگری بوده است.

(۱) واژه فرهنگ در زبان و ادبیات فارسی

در بررسی زبان و ادبیات فارسی برای واژه فرهنگ حوزه های کاربردی متنوعی یافت می شود. با این حال در رویکردی کمی همه این واژگان از لحاظ میزان پوشش عناصر معنای در یک طیف قرار ندارند و در واقع معانی فرهنگ در متون ادبی فارسی بین دو طیف حداکثری و حداقلی قرار دارند. به عبارتی در برخی موارد فرهنگ به

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

متابه همه صفات نیکو اعم از شجاعت، فرزانی، تدبیر، فنون و مهارت، دانش، و دیگر خصلت های نیکو آمده و در مواردی هم واژه فرهنگ به معانی محدودتر و یا حتی یک معنی خاص به کار رفته است. در ادامه بر حسب معانی فرهنگ در متون ادبی فارسی، طبقه بندی مفهومی متناسبی ارائه می گردد:

الف) فرهنگ به متابه امور متعالی

دهخدا (۱۳۴۴) با بررسی ادبیات فارسی به رمزگشایی معنی این واژه نزد ادیبان، صاحب نظران و شاعران فارسی پرداخت. در نگاه وی واژه فرهنگ در زبان فارسی با بیان ها و مفاهیم متنوع ولی معانی نزدیک به هم به کار رفته و مطالعه واژه گان "فر"، "هنگ"، و "فرهنگ" نشان از دلالت "فرهنگ" بر کلیه صفات و خصلت های نیکو در دیدگاه برخی صاحب نظران اسلامی و ایرانی دارد.

جالب است بدانیم یکی از نظریه پردازان مشهور فرهنگ در قرن بیستم به نام ماتیو آرنولد [۳] (۱۹۹۸) فرهنگ را به همین معنا یعنی ویژگی ها و صفات نیکوی افراد هر جامعه به کار برده است. نگارنده این اثر با مقایسه دیدگاه ماتیو آرنولد با برداشت برخی مصادیق مرتبط با کاربرست واژه فرهنگ در ادبیات کلاسیک ایران نتوانست نوآوری و مطلب جدیدی در دیدگاه آرنولد در دوره معاصر مشاهده نماید.

دهخدا با بررسی منابع متعدد نشان داد فرهنگ در منابع فارسی از دو واژه "فر" و "هنگ" ترکیب یافته است. فر به فتح فا و سکون را به معنای شأن، شوکت و شکوه، برازندگی، زیبایی و پیرایش، نور، پرتو، تابش، آواز و آهنگ، عدالت و امامت، استقلال، سیاست، عقوبت، توانایی، سرافرازی، شجاعت، دلیری، آبادانی، شادی و کامیابی و معانی متعددی از این قبیل به کار رفته است. نقش پیشوند "فر" در تعیین معنای فرهنگ مهم می

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

نماید. در پارسی باستان و اوستا "Fra"، و در زبان ارمنی "Hera"، در زبان هندی "Hera"، و در اوستا "Fra" به معنای پیش، به سویی جلو آمده است.

در همین راستا سنائی غزنوی نیز ۳۲ بار واژه "فر" را تحت معانی "دانش"، "شوکت"، "بزرگی"، "عقل و درایت" و مضامین مثبت دیگر بکار برده است:

از غایت آزادگی و فر بزرگیت

گشتند غلامان ستانهء درت احرار

در جای دیگر "فر" مبین ویژگی الهی صفات انسانی و جامعه محل زیست است:

ای ز زیب خلق و خلقت سرو و گل را رنگ و بوی

وی ز نور جاه و رایت عقل کل را زیب و فر

دامغانی در جایی فرهنگ را به مثابه عدل و نیز به معنای صفت نیکوی آدمی به ر کار بسته است:

بزرگان ایران ز فرهنگ او

ترازو نهادند با سنگ او

بر اساس معنای واژه "فرهنگ" نزد صاحبنظران این طیف، افراد یک جامعه را می توان به با فرهنگ، کم فرهنگ و بی فرهنگ طبقه بندی نمود. به عبارتی افرادی که برخوردار از مهارت های رزم، دانش های مختلف و خاصاً اخلاق و منش الهی و دیگر صفات نیکو می باشند با فرهنگ معرفی می شوند و به هر میزان که از کمیت

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

و کیفیت این صفات و خصائل نیکو کاسته گردد به همان مقدار نیز سطح کمی و کیفی فرهنگ افراد کاهش و
تنزل می یابد تا حدی که ممکن است در طبقه کم فرهنگ و سپس بی فرهنگ قرار گیرند.

در همین راستا، سنائی غزنوی در معرفی مردم بی فرهنگ و با فرهنگ چنین آورده است:

از بزرگیست در دماغ تو کبر

وز کریمیست در نهاد تو هنگ

ای که سنگ هنگنیت ترا

چون خس از بادخوی یافه دوی

مولوی هر فعل و فکری که به نور حق و صفات نیکو ملبس نباشد را فرهنگ نمی شمرد:

بادهای را می بود این شر و شور

نور حق را نیست آن فرهنگ و زور

منوچهری دامغانی نیز صفات نیکوی آدمی را نشانه فرهنگ وی می داند:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

هرچه فرهنگ را بهکار آید

وآدمزاد را بیاراید

ب) فرهنگ به مثابه فنون، مهارت ها، دانش ها و معارف جامعه

بررسی متابعکهن پارسی و خاصاً متون پهلوی نشان می دهد که در بسیاری موارد فرهنگ به معنای «دانش و دانایی» و همچنین فنون و مهارت های ها زندگی افراد یک جامعه آمده است:

« به خاستاری فرهنگ کوشا باشید . چه فرهنگ تخم دانش است و برآن خرد است و خرد آرایش دو جهان است و درباره آن گفته اند که فرهنگ اندر فراخی پیرایه و اندر شگفتی (سختی) پانه (نگهبان) و اندر آستانه (مصیبت) دستگیر و اندر تنگی پیشه است . [۴]

فردوسی "فرهنگ" را در مفهوم "دانش و مهارت" چنین بکار می گیرد:

ز فرهنگ و از دانش آموختن

سزد گر دلش باید افروختن

عنصری نیز می گوید:

توجه و گنج ز فرهنگ و از قنات جوی

چه جاه و گنج فزون از قناعت و فرهنگ

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

ناصر خسرو قبادیان در جایی فرهنگ را در مفهوم فضیلت و دانش و عامل اختیار انسان در مقام اندیشه و عمل آورده است:

به فضل و دانش و فرهنگ و گفتار

تویی در هر دو عالم گشته مختار

منوچهری دامغانی فرهنگ را نشانه کمال خرد و معرفت آدمی می پندارد:

که ملک جهان را ز فرهنگ ورای

شد از قاف تا قاف کشور گشای

سعدی در جای فرهنگ را به معنی "دوراندیشی"، و عقلانیت "آورده است:

"هر چه خواهی کن که ما را با تو روی جنگ نیست پنجه با زورآوران انداختن فرهنگ نیست"

در شاهنامه فردوسی و در شعر مربوط به "اندرزنامه انوشیروان" نیز فرهنگ به معنی "دانش" و "علم" به کار رفته است [۵]:

زدانا پیرسید سپس دادگر که فرهنگ بهتر بود یا گهر

چنین داد پاسخ بدو رهنمون که فرهنگ باشد ز گوهر فزون

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

که فرهنگ آرایش جان بود ز گوهر سخن گفتن آسان بود

در برهان قاطع لغت فرهنگ به معنی "علم"، "دانش"، "عقل"، "ادب"، "بزرگی"، "سنجیدگی" و معانی دیگری
آمده است:

"برون و معنی فرهنگ است که علم و دانش و عقل و ادب و بزرگی و سنجیدگی باشد. کتاب لغات فارسی را
نیز گویند. نام مادر کیکاووس هم بوده، شاخ درختی را نیز گویند که در زمین خوابانیده خاک برروی آن بریزد
تا از جای دیگر سربرآورد و کاریز آب را نیز گفته اند. چه دهن فرهنگ جایی را می گویند از کاریز که آب برروی
زمین آید."

در تاریخ بلعمی نیز فرهنگ به معنای "قدرت و دانش" آمده است :

ای آن که سیاوخش را تو کشتی از مردن و قوت و فرهنگ او نترسیدی

در قابوس نامه آمده است : بر مردم واجب است چه بزرگان و چه فروتنان ، هنر و فرهنگ آموختن و در تاریخ
بیهقی آمده است : "هر ولایتی را علمی خاص است ، رومیان را علم طب است ، هند را تنجیم و حساب و
پارسیان را علوم نفس و فرهنگ "

در شاهنامه فرهنگ به معانی متعدد من جمله دانش، خرد و آگاهی آمده است .

ز فرزنانگان چون سخن بشنویم به رأی و به فرمانشان بگرویم

کزیشان همی دانش آموختیم به فرهنگ دل ها بر افروختیم

مولوی فرهنگ را به مفهوم "عقل"، "علم"، "خردمندی"، و "فرزانگی" معنی کرده است :

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

"دشمن عقل که دیده است کز آمیزش او همه عقل و همه علم و همه فرهنگ شدیم"

جامی نیز فرهنگ را در معنا و مفهوم دانش و معرفت و آگاهی معنی می کند:

همی بود دایم به فرهنگ و رای

به تعظیم استاد کوشش نمای

نتیجه گیری:

به هر اثر مکتوب، ادب یا ادبیات می گویند، از این واژه برای سخنی که از حد سخنان عادی، برتر و والاتر بوده است و مردم، آن سخنان را در میان خود، ضبط و نقل کرده اند و از خواندن و شنیدن آن ها دگرگون گشته و احساس غم، شادی یا لذت نیز استفاده می شود! ^۱! در باور همگانی، ادبیات یک تیره یا ملت برای نمونه مجموعه متنی است که آثار ماندگار و برجسته پیشینیان آن تیره و ملت را تشکیل می دهند. یکی از طبقه بندی های مشهور و پرکاربرد متن های ادبی، طبقه بندی دوگانه ایست که بر اساس آن متن ها به دو گونه اصلی شعر و نثر تقسیم می شوند. این طبقه بندی سنت دیرینه ای در سخن شناسی، زبان فارسی و ادبیات جهان دارد. سخنوران و فیلسوفان از دیرباز در پی پررنگ کردن خط ظریف میان این دو گونه، تعریفی فراگیر و تمیزدهنده از شعر و نثر بوده اند؛ البته در نخستین دسته بندی ادبی انجام شده توسط ارسطو در تاریخ بشر، ادبیات یونان شامل گونه سومی به نام دراما یا همان هنر نمایشی باستان نیز بود که بعدها توسط رومیان

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

توسعه یافت و در متون غربی تا به امروز این دسته‌بندی، بر خلاف سنت ایرانی نظم و نثر، به نظم و نثر و دراما تقسیم می‌شود. شاید یکی از دلایل نبود دراما در گونه‌های اصلی ادب فارسی، فقدان توجه به هنرهای نمایشی پیش از اسلام بوده باشد، زیرا همزمان با یونان باستان، در ایران باستان از هخامنشی به بعد، مدارک هنرهای نمایشی همراه آواز و موسیقی نیز وجود دارد.

ادبیات گفته‌ها و نوشته‌های ظریف و زیبا با هدف نشان دادن رهنمودها و ارشاداتی در راه سعادت جامعه و آسایش نسل فعلی و پیشرفت آینده است. در قلمرو زندگی انسان آثار ادبی به عنوان تبلور اندیشه‌های فردی و اجتماعی در اعتلای فرهنگی و اجتماعی جامعه تاثیر بسزایی دارند. ادبیات در انجام رسالت خود در قلمرو دانش‌های گوناگون گنجینه ارزشمندی از رویدادها، ارزشها، آداب و رسوم و پیشینه تاریخی و تحولات اجتماعی جامعه محسوب می‌شود. پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی خط سیر آن و تأثیرش در تحولات اجتماعی، در قالب رمان، تاریخ، فلسفه، تأثر، نمایش، و تمثیل و بالاخره شعر و نثر مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد و در این راستا جامعه شناسی ادبیات به عنوان دانشی اجتماعی عملکرد واقعی خود را نشان می‌دهد. کهن‌ترین آثار نوشته شده از سنگ نبشته‌ها گرفته تا به امروز نشان دهنده خلاقیت اجتماعی و فرهنگی این مرز و بوم بوده است. و تحلیل موضوعات ادبی از جنبه‌های مختلف اعم از آموزشی، ساختاری، روانشناسی و فرهنگی حائز اهمیت هستند. البته تأثیر ادبیات در جامعه و متقابلاً تأثیر جامعه در ادبیات مبحثی غیر قابل انکار است. به عنوان نمونه پیام‌های اخلاقی و ادبی یا نثر چه بسا مردم افسرده یا با خشونت را به اعتدال برساند. مفاهیم سمبولیک (نمادین) در آثار شاعران بزرگی چون رودکی، نظامی، عطار، مولوی، حافظ و سعدی، شهریار و دیگران فراوان به چشم می‌خورد و همواره مورد توجه اجتماع قرار گرفته و در بیداری مردم در هر عصر و زمانی مؤثر بوده‌اند. البته با وجود پیشرفت تکنولوژی و ورود ادبیات اروپایی توجه به آثار ادبی متأسفانه در جامعه روبه‌رکود و نابودی می‌رود. اما با توجه به اینکه استقلال فرهنگی، گستردگی ارزشهای اخلاقی و دینی و از طرف دیگر پر کردن اوقات فراغت و سلامت روانی فرد و جامعه تأثیر مستقیم با ادبیات آن

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

جامعه دارد بنابراین تأثیر آثار ادبی را که حتماً به سود بشریت خواهد بود نباید از ذهن دور داشت. ادبیات مجموعه آثار ظریف و زیبایی است که به صورت گفته و نوشته در آمده است. و وظیفه آن تفسیر و کندوکاو انسان اجتماع، زندگی، فرهنگ، سیاست و بطور کلی هدفش نشان دادن رهنمودهایی از معیارهای ادبی، هنری، احساسی و فرهنگی و دینی در جهت اعتلای روح انسان و ارشاد به سعادت اجتماعی و اخلاقی جامعه است. ادبیات آینده تم ام نمای رویدادها، آیین ها، رفتارها، تلاشها و اندیشه های جامعه است که زبان « حال و شناسنامه یک ملت می باشد و می توان یک جامعه را با بررسی محتوا و موضوع ادبیات آن شناخت. رویدادها، و رفتارهای اجتماعی را دانست و سیر تحول پدیده های اجتماعی را ردیابی کرد.

منابع:

- ۱- زرین کوب، عبدالحسین 1374، ص ۲۵ آشنایی با نقد ادبی». انتشارات سخن.
- ۲- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه فارسی، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۵
- ۳- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، قاموس
- ۴- فروغی، ذکاءالملک، تاریخ ادبیات تعریف ادبیات. «دائرة المعارف طهران. معیار اللغه، ج ۱، ص ۶۱
- ۵- هاشمی، احمد، جواهر الادب، ص ۸ دائرة المعارف بستانی
- ۶- فروغی، ذکاءالملک، تاریخ ادبیات دائرة المعارف بستانی (ج ۲ ص ۶۵۵)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

- ۷- علیرضا فرقانی، آموزش زبان عربی در ایران اهداف، چالش‌ها، راهکارها
- ۸- ادب. «لغت‌نامه دهخدا». بایگانی شده از اصلی در ۴ آوریل ۲۰۱۳. دریافت‌شده در ۱۳ اکتبر ۲۰۱۲.
- ۹- ادبیات چیست. «نشریه رشد آموزش زبان و ادب فارسی»-1366. شماره ۱۰
- ۱۰- شب ادبیات آشوری. «فصلنامه بخارا»، شماره ۵۵. ۱۳۸۵. انواع ادبی. «پرتال جامع علوم انسانی».